

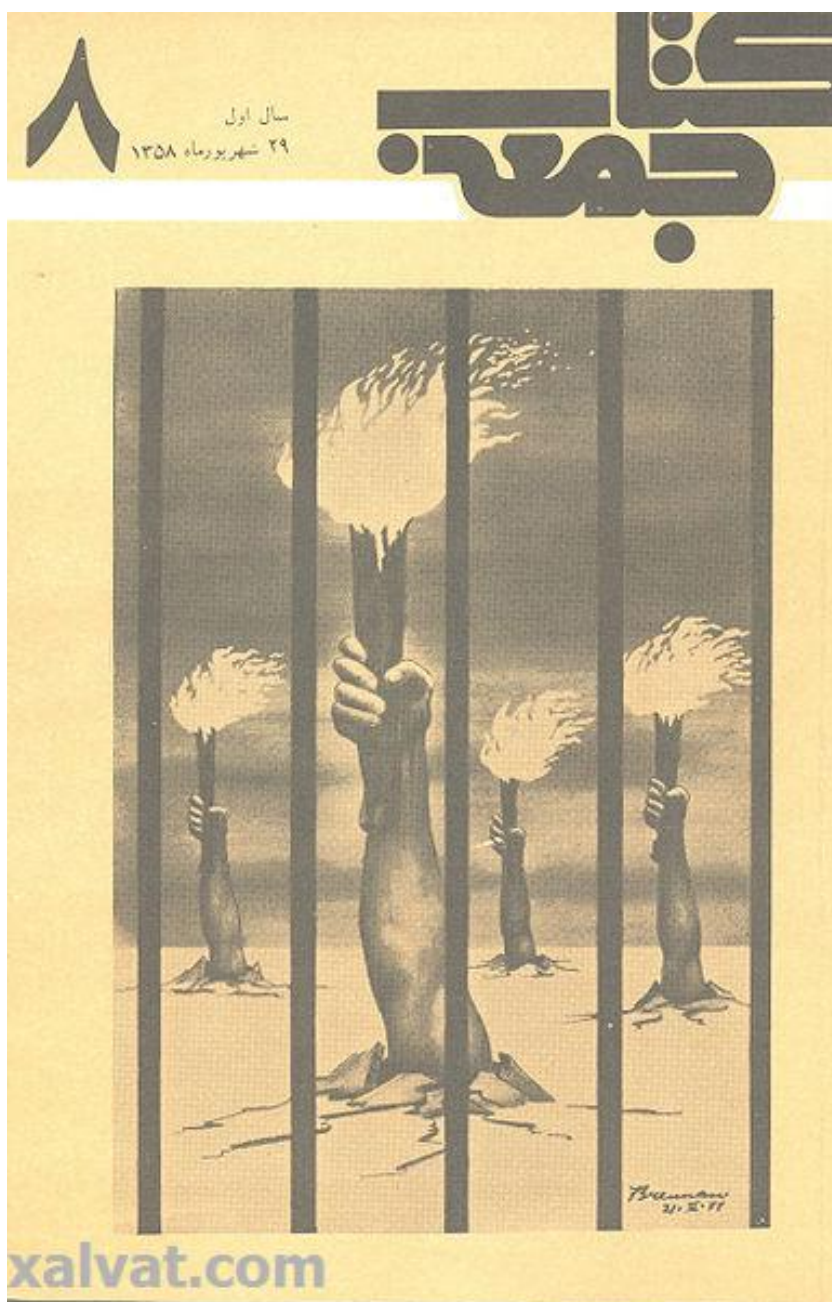


762

کامیلیو تورز (برگردان: آزاده) : گروه های فشار چگونه در حکومت نفوذ می کنند

+ کامیلیو تورز: پلاتفرم جبههء متحد خلق کلمبیا

+ چه گوارا (برگردان: م. معلم): یادداشت های روزانه



برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

مطالب رسیده به هیچ عنوان مسترد نمی‌شود. اداره در حکم و اصلاح مقالات آزاد است

کتاب جمعه

هفته نامه سیاست و هنر

سرپرست: احمد شاملو

با همکاری شورای نویسندگان

مکانیات با صندوق پستی ۱۵۱۱۳۲ (تهران)

مرکز پستی: تلفن ۸۲۸۸۴۲ (تهران)

بهای اشتراک: ۵۰ شماره ۲۰۰۰ ریال

۲۵ شماره ۲۲۵۰ ریال

که قبلاً دریافت می‌شود

بها ۱۰۰ ریال

خوانندگانی که تاکنون نتوانسته‌اند بعضی از شماره‌های کتاب جمعه را تهیه کنند، می‌توانند به کتابفروشیهای مقابل دانشگاه مراجعه نمایند.



سال اول
۲۹ شهریورماه ۱۳۵۸

کنایه جمعه

- ۲۹ ترجمه حسن بلقی
- ادبیات و اینترنتی
اینگلیش
- ۶۵ ترجمه سیداسین لایسی
- هنر بهشتیة اینترنتی
- آرزوهای ماکنز واسکر
- ۶۱ ترجمه عباس علی
- هنر برگی هنر
- ای دی ایگلوب
- ۶۲ ترجمه فرشته سولوی شیاری
- مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری در برتان
- کسانتین سرکالاس

- ۸۳ از
- فعالانهای جنس کشاورزی
- ۶۱ محمد جواد زاهدی
- نیوه ن ریلا
- ۱۰۸ آفرینش جهان امپراطور اریقا
- باجان فرس
- زن بیسی
- ۱۴۲ مراد محمدی
- گروه مدعی قتل چگرتنه در حکومت قسوة
- می گند
- کامیونورد
- ۱۴۵ ترجمه آزاد

استاد قاری بیخی

- گید کاورین صیغ تند به اعلی حضرت
- ۱۵۲ بهانه میر نیات

پرسه در مطبوعات

- آزادی های سیاسی
- ۱۵۱ روزنامه انقلاب اسلامی

از خوانندگان

- شعر و قصه
- ۱۵۵ با شعر اندوگان
- پند و پند

طرح و عکس

- روزنا
- مایوش رادبود
- کار پکتور
- بلاشون
- آنتیستین و گتانا
- کاربون
- طرح
- ۱۵۲ ۱۳۷

قصه

- سوری
- سیم ماکس
- فرخاست دهخدا
- مارولک سینر
- ترجمه الف و رف
- قصه با بگانی
- ریکتور ژوئیس
- ترجمه راضی شهرد
- ایگنویوتی ژوئی ماسیاس
- ژورنالیستیک
- ترجمه سیدان تراهر
- ۲۲ ۱۹

شعر

- تاریخ
- سنا
- شادی
- فرید ارمیجور
- شب است با روزا
- م غ سابلر
- بازگشته
- ویلام بالتر بیس
- ن برکلی
- ۲۶ ۲۷
- ۱۸ ۲۷

مقالات و مقالات

- سیمای شعری و انقلابی اکبر
- جان ماورده لازمن

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>



گروه‌های فشار چگونه در حکومت نفوذ می‌کنند

يك گروه فشار مرکب از اشخاصی است که متفقاً تصمیمات سیاست ملی را تعیین می‌کنند. آن‌ها يك جامعه تخصصی‌اند. اما گروه‌های فشار الزاماً به شیوه رسمی اعمال قدرت نمی‌کنند. آن مأمورین و بوروکرات‌هایی می‌توانند شاغل مقامات دولتی باشند که وابسته به این گروه‌ها بوده باشند و رسماً به نفع گروه‌های فشار اعمال قدرت کنند.

در نتیجه، قدرت واقعی مقامات در اختیار گروه‌هایی از این نوع است. این قدرت واقعی - اگر گروه‌های فشار تشکیل اکثریت‌ها دهند می‌تواند خصالت دمکراتیک داشته باشد؛ و اگر همین گروه‌ها نماینده اقلیت باشند، در آن صورت خصالت اقلیت حکومتگر را پدید خواهد آورد. در کلمبیا، وسیله تشکیل بخشی از گروه‌های فشار در اختیار اقلیت کوچکی است که تنها گروه فشار واقعی را می‌سازد. زیرا کلیه تصمیم‌های واقعاً مهم در مورد انسانی ساختارهای مؤثر، بستگی به این گروه دارد. و این گروه فشار اقلیت کوچک از برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران" ۱۲۵
<http://irpress.org>

طریق قدرت اقتصادی و لزوم همگامی. زمام سایر قدرت‌ها را در دست دارد. خواه این قدرت‌ها فرهنگی باشند و خواه سیاسی، بوروکراتیک، نظامی، و خواه روحانی.

salvat.com

در کلمبیا وضع تمرکز قدرت اقتصادی روشن است. آمارهای مربوط به توزیع شط درآمد ملی و درآمد سرانه ما، تقسیم اسفناك املاك و غیره. برای همه آشکار است. برای دستیابی به قدرت فرهنگی، نخست باید قدرت اقتصادی را در اختیار داشت. زیرا ساخت نهادهای آموزشی ما چنین ایجاب می‌کند.

در سلسله مراتب ضرورت رسیدن به مقامات بالا، همگامی یا قدرتمندان مالی و نیز برخورداری از حداقل فرهنگ است. لازمه قدرت بوروکراتیک نیز برخورداری از این حداقل و همگامی حتی بیشتر است. زیرا در کلمبیا ترقی از طریق مجاری بوروکراتیک به تقسیم و تشخیص بلندپایگان بوروکراتیک بستگی دارد. و این مردان اگر با کسانی که قدرت اقتصادی در اختیار آنهاست کاملاً موافق و همگام نباشند نمی‌توانند منزلت اجتماعی خود را حفظ کنند.

در کشور ما، قدرت نظامی فقط می‌تواند به عنوان مدافع و حاسی ساختارهای تحمیلی و در تحلیل نهائی، مدافع قدرت اقتصادی قابل توجه باشد. قدرت اقتصادی، مزد و پاداش مردان نظامی را از طریق امتیازات مالی، اجتماعی، و یا حتی سیاسی، - تا چه مقتضی باشد - به نظامیان مزد می‌دهد و جبران زحمت می‌کند، و اینها بستگی دارد به اینکه تا چه اندازه آنان «نظام مسقر» همگام باشند.

در کشور ما قدرت روحانی با قدرت‌های مالی و سیاسی متحد است. چون که آنها منافعشان مشترك است. همگامی روحانیون پشتوانه ضمانت حفظ این منافع است.

طبقات مردمی، که اکثریت‌های عظیم را شامل می‌شود، گروه‌های قناری را تشکیل نمی‌دهند. چون آنها نه به نیازهای مشتركشان آگاهند و نه در فعالیت‌شان متحداند. آنان سازمانی دارند که در سطح ملی گسترده باشد، و نه حتی دارای کمترین اهداف سیاسی مشترك‌اند. اگر اکثریت‌ها نتوانند این شرایط لازم را به دست آورند، کلمبیا هرگز وری يك دیمکراسی واقعی را نخواهد دید.

برگرفته از سایت: "تابگانی مطبوعات ایران" ترجمه آزاده

<http://irpress.org>

۹

سال اول
شماره ۹

کنایه جمعه



کتابخانه کلمه

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

طرح و عکس

- **مقاله خام**
 - **مارشال لایار** ۴
 - **گاریکتور**
 - **کوتاه** ۴۲
 - **پنجشنبه پزیردینتاب**
 - **عسل پوسندوی** ۳۸
 - **برگشت زمین**
 - **۷۶** ۱۵۲
-
- ## آهنگ
- **حانه دیلا**
 - **ناصر زراشتی** ۲
 - **تهال گردونی بر گور مسیح**
 - **فاطمه ایلمی** ۲۱
-
- ## شعر
- **...**
 - **نام** ۲۶
 - **پراغ من سازم**
 - **ی طلایی** ۳۲
 - **کیس (مسیحون خورشید)**
 - **بر مگام** ۳۲
 - **را اگر خواهی بشناسی**
 - **حیا سوزا** ۳۶
 - **دکمه دایره**
-
- ## نظرات و مقالات

- **بیانیه لیدم تاللق**
- **سرگس آیزنشتاین**
- **اعدد ضابط جرمی** ۲۷
- **تطبیق، اینترنتی و هنر**
- **آرتولد هارز**
- **روش موزی شرازی** ۵۴
- **مبارزه طبقاتی و دیگتاتوری در برلین ۳**
- **کستانتین سوکالاس**
- **آزاده** ۶۵
- **بنگهایم و تجربه شوروی**
- **یوسف ایلمی** ۷۸
- **پلانگرم چینه متحد خلق گنسیا**
- **کالیو توپو**
- **آزاده** ۹۲
- **تولد روشنفکران در روسیه**
- **آیزنشتاین**
- **نصف دنیای غربی** ۹۹
- **نهر و برابرا (۳)**
- **۱۲۷** ۱۲۷
- **آرینش جهان (اساطیر سومر)**
- **پاسلان قرغی** ۱۴۰

xalvat.com

پرسه در متون

- **تاریخچه کتابسوزان**
- ۱۵۲

پرسه در مطبوعات

- **من و تنها روزنامه‌ام**
- **بولن سازینان برناه** ۱۵۱



پلاتفرم جبهه متحد خلق

کلبیا

xalvat.com

در کتاب جمعه، شماره ۷ گفتاری از کامیلو توروز خواننده این بنام سخن با کارگران دو آن سخنرانی. از پلاتفرم جبهه متحد خلق کلبیا سخن رفته بود. اینک آن پلاتفرم، واژه پلاتفرم (Platform) نیاز به مختصر توضیحی دارد. پلاتفرم در لغت به معنای «سکوه و تکیه» است و در اصطلاح سیاسی به بیان رسمی اصولی اطلاق می‌شود که گروهی، مثلاً یک حزب سیاسی، توده‌ها را به پذیرش و همکاری با آن دعوت می‌کند.

این پلاتفرم در فوریه ۱۹۶۵ در قرتسه اونیو (Frente Unido) منتشر شده است.

برای همه کلبیانی‌ها، طبقات مردمی، سازمان‌های فعالیت همگانی، اتحادیه‌های کارگری، کنیورانیوها، انجمن‌های مساعدت متقابل، اتحادیه‌های برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران" ۹۳
<http://irpress.org>

دهقانی، اجتماعات سرخپوستان و سازمان‌های کارگری، و به‌همه کسانی که ناراضی‌اند و کسانی که در صف احزاب سنتی سیاسی نیستند، این پلانتفرم را ارائه می‌دهیم تا کلیه بخش‌های مردم کلمبیا را گرد هدف‌های مشخصی متحد کنیم.
برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

۱. انگیزه‌ها

۱. آن تصمیماتی که لازمه نظام سیاسی کلمبیایی ماست، اگر به‌نفع اکثریت‌ها و نه اقلیت‌ها سمت‌گیری شده باشد، باید توسط کسانی که قدرت را در اختیار دارند اتخاذ شود.
۲. اکنون کسانی که قدرت واقعی را در اختیار دارند همان اقلیت اقتصادی است که کلیه تصمیمات بنیادی را در باب سیاست ملی اتخاذ می‌کند.
۳. این اقلیت هرگز تصمیمی نمی‌گیرد که بر منافع او یا منافع خارجی که از به‌آن وابسته است، اثر معکوس داشته باشد.
۴. تصمیماتی که برای رشد اجتماعی - اقتصادی کشور لازم است و به‌نفع اکثریت‌ها و برای استقلال ملی است، التزاماً منافع اقلیت اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.
۵. این شرایط، تغییر ساختاری قدرت سیاسی را کاملاً ضروری می‌کند تا اکثریت‌ها تصمیم‌گیری کنند.
۶. در حال حاضر، اکثریت‌ها احزاب سیاسی و نظام حاکم را طرد می‌کنند، ولی آن‌ها دستگاه سیاسی نمی‌دارند که بتواند زمام قدرت را در دست بگیرد.
۷. دستگاه سیاسی‌نی که سازمان یافته باشد، باید خواستار گسترده‌ترین پشتیبانی ممکن بوده‌ها باشد. این کار نیاز به برنامه‌ریزی قوی دارد، و باید بر پایه اصول فعالیت استوار باشد تا بر یک رهبر مردمی تا خطر عوام‌فریبی «گنجه‌های آشنیزخانه» و شخصیت‌گرانی از میان برداشته شود.

xalvat.com

۲- هدف‌ها

۱. اصلاحات ارضی
مالکیت زمین باید از آن کسانی باشد که مستقیماً در آن کار می‌کنند.

دولت بازرسانی خواهد گماشت که املاک را به دهقانان واگذار کنند. ولی لازم است که کشت از طریق شبکه‌های تعاونی و اشتراکی، و مطابق با برنامه ارضی ملی، و با مساعدت مالی و فنی کنترل شود. هیچ کس نباید زمین را خریداری کند. هر زمینی که برای ملک عام تعلق می‌شود باید بدون بازپرداخت مصادره شود.

شوراهای سرخپوشی باید مالک واقعی زمین‌هایی باشند که به آن‌ها تعلق دارد. این کار موجب بهبود رشد و تقویت اجتماعات بومی می‌شود.

۲. اصلاحات شهری

هر کس که در شهرها و شهرک‌ها ساکن خانه‌ئی باشد مالک همان خانه خواهد بود. کسانی که متبع درآمدشان فقط اجاره بهای یک خانه است و از آن اشاعه می‌کنند می‌توانند مالک آن باشند، حتی اگر خود ساکن آن خانه نباشند. البته در صورتی که بتوانند اتکالی مالی خود به درآمد خانه‌رانی‌ت کنند. اگر بنا بر تشخیص دولت که از خانه‌ئی به قدر کافی بهره‌برداری نمی‌شود، سند مالک آن خانه جریمه خواهد شد. این جریمه به حساب [صندوق] برنامه‌های ایجاد مسکن دولت ریخته خواهد شد.

۳. برنامه ریزی

یک برنامه اجباری با هدف تقلیل واردات و افزایش صادرات و صنعتی کردن کشور تهیه خواهد شد. کلیه سرمایه‌گذاری‌های دولتی یا خصوصی باید تابع سیاست سرمایه‌گذاری ملی باشد. فقط دولت باید امور مالی از طریق ارز خارجی را انجام دهد.

۴. سیاست مالیاتی

از کلیه کسانی که درآمدشان بیش از آن مقدار درآمد لازمی است که یک خانواده متوسط کلمبیایی می‌تواند با آن راحت زندگی کند (مثلاً ۵ هزار یورو در سال ۱۹۶۵) به شکل تصاعدی مالیات پردرآمد اخذ خواهد شد. هر درآمدی که بیش از این حد باشد، در صورتی که در بخش‌هایی که سیاست سرمایه‌گذاری رسمی مقرر می‌دارد به کار نیفتاده باشد، گلا باید به دولت

۹۵ برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران" <http://irpress.org>

تحويل داده شود. هیچ مؤسسه‌ای از پرداخت مالیات معاف نیست. به‌دست‌مزد تا حد معینی. مثلاً ۵ هزار پرت در ماه. در سال ۱۹۶۵، مالیات تعلق نمی‌گیرد.

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات"

ایران

<http://irpress.org>

۵. ملی کردن

بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، مراکز تولید و توزیع دارو، وسایل نقلیه عمومی، رادیو، تلویزیون و منابع طبیعی همه متعلق به دولت است.

دولت باید آموزش و پرورش کلیه مردم کلمبیا را به‌طور رایگان فراهم کند، و باید تا پایان تعلیمات متوسطه ایدئولوژی اولیاء و خاتواده‌ها، و پس از سطح متوسطه ایدئولوژی دانشجویان را محترم بشمارد.

تعلیمات نا سطح متوسط یا نا اتمام تعلیمات فنی اجباری خواهد بود. اولیاتی که از قانون تعلیمات اجباری فرزندان‌شان سرپیچی کنند، قانوناً مجازات خواهند شد. بودجه این کار از سیاست سرمایه‌گذاری رسمی از طریق افزایش مالیات تأمین خواهد شد.

منابع زیرزمینی متعلق به دولت بوده، استخراج نفت یا در نظر گرفتن منابع اقتصاد ملی صورت خواهد گرفت. به شرکت‌های خارجی امتیازات تفتی داده نخواهد شد مگر تحت شرایط ذیل:

۱. سهم دولت کمتر از ۷۰ درصد نباشد.

۲. تصفیه و توزیع، و تولید انواع سوخت از خدمات دولتی

شمرده شده در اختیار دولت خواهد بود.

۳. پس از طی یک دوره، حداکثر ۲۵ سال، کلیه رسایل،

تجهیزات، و تأسیسات، بدون بازپرداخت به‌دولت واگذار خواهد

شد.

۳. دستمزدها و حقوق کارگران و مستخدمین کلمبیانی باید لااقل

مساوی باشد با حقوق کارگران و مستخدمین خارجی از همان

جداول شغلی.

۶. روابط بین‌المللی

کلمبیا با کلیه کشورهای جهان رابطه خواهد داشت و داد و ستدهای تجاری و فرهنگی را مشروط به تساری و سود متقابل خواهد پذیرفت.

۷. امنیت اجتماعی و بهداشت عمومی

دولت برای امنیت اجتماعی برنامه کامل و مترقی ارائه خواهد داد که حق استفاده از بهداشت رایگان و خدمات پزشکی بدون تعصب نسبت به طبایع خصوصی این حرفه را تضمین می‌کند. و کلیه امور مربوط به بیمه‌گری از باافشادگی، کهرلت و مرگ را دقیقاً رسیدگی خواهد کرد. استخدام پرستل مشاغل مربوط به طبایع و بهداشت به‌عهده دولت است و حقوق آنها بنابر آن چه که قانون تعیین می‌کند بنابر تعداد خانواده‌هایی که خواستار مراجعه به آنها هستند پرداخت خواهد شد.

xalvat.com

۸. سیاست خانواده

پدرانی که فرزندان خود را طرد کنند جریمه خواهند شد. نگهداری و مراقبت از زن و فرزندان توسط قانون و از طریق مجوزات مؤثر ضمانت خواهد شد.

۹. نیروهای مسلح

بودجه نیروهای مسلح با هدف آنها متناسب خواهد بود، پدری این که در احتیاجات بهداشتی و تعلیماتی مردم کلمبیا مؤثر باشد. دفاع از حاکمیت ملی. مسئولیت کلی ملت کلمبیا خواهد بود. زنان مجبورند که بعد از ۱۸ سالگی برخی از خدمات عمومی را انجام دهند.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

۱۰. حقوق زنان

زنان در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور پر پایه نسای با مردان شرکت خواهند کرد.

پس از آن که پدر کامیلوتوروز در ۲۲ می ۱۹۶۵ این پلانم را طرح و عرضه کرد عموم مردم از بخش‌های مردمی به آن علاقمند شدند و در آن به بحث و تأیید و سپس گسترش آن پرداختند. در همین روز جبهه مشاهد ملی در دانشگاه شهر بوکوشا بار دوجمه افتخاری داد. پدر کامیلوتوروز اعلام کرد که او چون يك كلمبيني، يك جامعه‌شناس و يك مسيحي و يك كشي، فردي انقلابي است. او، بدنام يك كلمبيني، نتوانست مبارزات مردم را نادیده بگیرد. به نام يك جامعه‌شناس، از طريق دانش علمي در باب واقعات، به اين اعتقاد رسیده بود که راه حل‌های فني و مؤثر نمی‌تواند بدون انقلاب به دست آید.

بدنام يك مسيحي، چون جوهر مسيحت عشق به همسايه است، [می‌اندیشید] که تنها از طريق انقلاب رفاه اکثريت تأمین خواهد شد.

بدنام يك كشي، چون فداکاری نسبت به همسايه، که لازمه انقلاب است، شرط لازم احسان پدران بود و ازانجام کامل رسالت او تفکيک‌ناپذير بود.

xalvat.com

• این اصطلاح نسبت به گروهی مشاوران غیررسمی نزدیک‌ترین چکسون اطلاع می‌شده اما امروزه درباره گروه مشابهی که رئیس دولت یا آن‌ها مشورت کند و به آن‌ها تنگی باشد گفته می‌شود.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

۱۰

سال اولی
۱۲ مهرماه ۱۳۵۸

کنار جمعه

xalvat.com



کتابخانه

سال اول
۱۲ مهرماه ۱۳۵۸

calvat.com

طرح و عکس

- ۶۵ اس. وانگر
سپارش مسکری
- ۶۶ تاریخ و پراکنش اجناسی
در اردویی نظام معسفر
زبان سنو
- ۶۷ ع. یانسی
نمایش، آیدئولوژی و هنر (۲)
آرنولد هارنر
فرشته موتوی
- ۸۳ دیگرگویی‌های جامعه فلسطین
به‌دین گیل وایه لیکسنسین
- ۱۳۲ بهره و ربا (۲)

قصه

- ۱۰۴ دشمن شماوه یک اجتماع
برکوشکی
- ۲ ع. سیانر
خاطراتی از امانه امنیت
پاروسلار حاشاک
- ۱۴ س. ستهار
المانه گوه منتظر
نگوین اوجو
- ۲۳ محمدعلی صفیران

شعر

- ۱۴۱ شال
س.ع. صالح، شاعر بختبارمی
ترجمه ع. باغی
- ۲۶ سه شعر
مریم سلطانی رابعی
- ۲۹ با آن سوز سرخ
عدالته گزینی

مقالات و مقلولات

- ۱۵۲ یادداشت‌های روزانه
پدگورای
- ۵۴ م. سطر
دشمنی تولید سرمایه‌داری یا هنر
- ۱۵۴ کتابچه کوچه
م. نظره در فرهنگ رسمی و فرهنگ عامه ایران
محمد میرشکرانی

یادداشت‌های روزانه



چه گووارا

آنچه می‌خوانید فصلی است از دفتر
خطرات چه‌گووارا در بولیوی، از ۷ تا ۳۰
نوامبر ۱۹۶۶. چه دو هفتم اکتبر ۱۹۶۷ در
جنگل‌های بولیوی کشته شد.

xalvat.com

نوامبر ۱۹۶۶

۷

امروز مرحله جدیدی آغاز شد. شب‌هنگام به‌کشتزار رسیدیم. سفر خوبی بود. من و
پانچگو با لباس میدل از راه کوچابامبا وارد شدیم. تعاس‌های لازم برقرار شد و با در
جیب به‌مدت دو روز به‌راه ادامه دادیم.

در حوالی کشتزار از حرکت باز ایستادیم. یکی از وسائط نقلیه به‌محل نزدیک شد.
زیرا نمی‌خواستیم مالکین اطراف به‌ما بدگمان شوند. آن‌ها از پیش شایع کرده بودند که
ما برای معامله و تهیه کواکائین در این منطقه طرحی ریخته‌ایم. شاید شکفت‌انگیز باشد
ولی می‌گفتند که تومینی داروساز این گروه است. در طول سفر دوم وقتی به‌کشتزار
نزدیک می‌شدیم پیگوئز که از هویت من آگاه شده بود نزدیک بود از صخره پرت شود.
جیب را در کنار دره رها کرد. تقریباً بیست کیلومتر راه رفتیم و یاسی از نیمه شب گذشته
بود که به‌کشتزار رسیدیم. در این مزوعه سه کارگر عضو حزب کار می‌کردند. پیگوئز
اظهار داشت که می‌خواهد با ما همکاری کند حزب هر چه می‌خواهد بکند. او
به‌موتجی وفادار است و به‌او احترام می‌گذارد و از او مواظبت می‌کند. به‌نظر او
رودولفو و کورکو نیز با او هم عقیده‌اند. اما می‌افزاید که باید حزب را متقاعد کنیم و
برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

ضرورت نبرد را خاطرنشان سازیم.
از او پاری خواستم و گفتم تا وقتی که مونچی از سفر بلغارستان برنگردد به حزب
اطلاع ندهیم. هم حرف مرا شنید و هم بهمن پاری داد.

۸

دو روز را در منطقه پردرخت کنار نهر که کم‌وبیش یکصد متر از خانه فاصله داشت
گذرانیدیم. مورد حمله نوعی اردک قرار گرفتیم اردک‌ها نوك نمی‌زدند ولی ناراحت‌مان
می‌کردند. با انواع حشرات موذی از قبیل کتک گازی و گوسفندی مگس و ساس و بته
روبه‌رو شدیم. پیگوت به کمک آرگاناراز جیب را بیرون کشید و به‌ار قوی داد چند تا
خوک و مرغ از او بخرید قصد داشتیم گزارشی درباره این حوادث تهیه کنیم اما آن را
به‌هفته بعد که قرار است گروه دوم وارد شوند موکول کردیم.

xalvat.com

۹

روزی بی‌حادثه. همراه با قومینی به جست‌وجوی سرچشمه رود ناگاهواسو (در واقع
نهر ناگاهواسو) پرداختیم اما به سرچشمه آن نرسیدیم. رود از شیب تندی می‌گذرد و
منطقه‌اش است که رهگذران بندرت از آن می‌گذرند. فرد با انضباط کامل می‌تواند زمانی
پس دراز در این منطقه بماند. باران سنگین ما را مجبور کرد از بیشه بیرون آمده به‌خانه
برویم. شش تا کتک گوسفندی یا گازی را که به‌دستم چسبیده بود کتدم و دورانداختیم.

۱۰

با چنگو و پمبو همراه رفیقی از اهالی بولیوی به نام سراقین برای شناسایی محل راه
افتادند. آن‌ها از ما دو تر رفتند و به‌شعبه نهر (جویبار) رسیدند. همه چیز روبه‌راه
می‌نمود. در بازگشت در خانه ماندند و بیهوده وقت گذرانندند. راننده آرگاناراز آن‌ها را
دیده بود و با خود آورده بود و آن‌ها نیز چیزهایی خزیده بودند. من پشت از کارشان
خرده گرفتم. تصمیم گرفتم با ممداد روز دیگر به چنگل برویم و دو آنجا اردوگاه دائمی
برپا کنیم قومینی در مزرعه ظاهر شد چون قرار بود کارگر مزرعه باشد. کار مناسبی نبود
باید اول می‌دیدیم که آیا به‌ما اجازه ورود افراد بیشتر یا لا‌اقل افراد خودمان را می‌دادند
یا نه. من با آن‌ها خودمانی‌تر بودم.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

۱۱

باز هم روزی بی‌حادثه در اردوگاه جدید در آن سوی خانه، چائی که می‌خواهیدیم.
سیری شد.

این حشرات جهتمی آدم را مجبور می‌کنند به‌تنو و پشه‌بند پناه برد (تنها من پشه‌بند
داشتم) قومینی به‌ملاقات آرگاناراز وقت را از او چند تا مرغ و بوقلمون خرید. گویا هنوز

۱۲

يك روز بي‌حادثه ديگر، شناسائي اندكي به‌عمل آمد، زميني را كه بنا بود پا ورود شش نفر از گروه دوم به‌اردوگاه تبديل كنيم آماده كرديم. پخش انتخاب شده بر فراز تپه‌ي كوچك درحدود يك صد متر از ابتدای آرامگاه قرار دارد. غاري در آن حوالی بود، با حفر چند كودال محل مناسبی برای پنهان كردن غذا و چيزهاي ديگر بود. بر طبق دسته‌بندي گروه می‌بایست تا این زمان نخستین سه گروه دو نفری در راه باشند و در پایان هفته ديگر به‌کشتزار برسند. موی سرم بلند شده خیلی هم تنگ است، موهای خاکستری بود شده‌اند و می‌ریزند، ریشم بلند شده است، در ظرف يك دو ماه ديگر به‌خودم خواهم رسيد.

برگرفته از سایت: "بايگانی مطبوعات ايران"

<http://irpress.org>

۱۳

يکشنبه است. چند تا شکارچی و گاودگران مزرعه آرگاناراز از کنار منزلگاه ما گذشتند. آن‌ها مردان جنگل به‌شمار می‌روند. جوان و مجردند و از نفرت شديد نسبت به‌ارباب خود سرشار شده‌اند و برای پیوستن به‌گروه ما بسيار متاسيبند. به‌من اطلاع دادند كه خانه‌هایی در حدود هشت فرسنگی بالای رودخانه وجود دارند. دره‌های پر آب و دربندهای مناسب نیز آن‌جا به‌چشم می‌خورد. خیر دیگری نیست.

xalvat.com

۱۴

يك هفته در اردوگاه. باچنگو شگين و ناراحت است اما باید به‌این حالت چيره شود. امروز كار حفر يك تقي را شروع كرديم. چيزهاي مورد نیاز را در آن پنهان خواهيم كرد. سعی می‌کنیم تا حد ممکن تقي مرطوب نباشد. دهانه آن را با كنده دوخت می‌پوشانیم و آن را در استتار كامل نگاه می‌داریم. حفر چاه يك متر و نیمی هم‌اکنون پایان یافته است و كار روی تقي به‌خوبی ادامه دارد.

۱۵

حفر تقي ادامه دارد. بوميو و باچنگو صبح و توميی و من بعدازظهر ساعت شش كه دست از كار كشيديم تقي دو متر عمق داشت. قرار است فردا آن را تمام كنيم و چيزهاي مورد نیاز و پا ارزش را در آن جا دهيم. شب باران می‌بارد و مجبور شدم از تنو فرار كنم. تنو تر شده بود چون بوشش نایلونی آن بسیار كوچك بود. خبر تازه‌ئی نیست.

۱۶

کندن نقب تمام شد و در ورودی آن به‌طور مناسب از دیده پنهان شد. تنها يك كوره راه باید به‌طور استثنای به‌وجود آید. ما فردا همه چیز را به‌خانه کوچک خود منتقل خواهیم کرد و با جوب و گل دهانه آن را خواهیم بست. طرح این نقب با شماره يك مشخص شده و در سند شماره يك متکس است. بقیه کارها برطبق معمول پیش می‌رود، پس فردا از لایاز خیری خواهد رسید.

۱۷

حفره را از اشیاء و لوازم بر کردیم از جمله مقداری کنسرو که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. با دقت بسیار آن را پوشانیدیم خبر نازدهنی از لایاز رسید. بچه‌ها با آوگاناراز صحبت کردند و از او چیزهایی خریدند و او در مورد مشارکت ما در امر تجارت کواکین بافتاری می‌کرد. برگرفته از سایت: "باگانی مطبوعات ایران" <http://irpress.org>

۱۸

بازهم خیری از لایاز رسید. باچنگو و بومبو باو دیگر برای شناسایی نهر به‌راه افتادند اما معتقدند که این‌جا برای اوردگاه جای مناسبی نیست. روز دوشنبه باو دیگر همراه تومینی برای شناسایی محل خواهیم رفت. آرگاناراز آمد و مدتی این‌جا ماند و چاده را مرمت کرد و سنگ‌ها را از رودخانه بیرون ریخت. به‌نظر می‌رسد که از حضور ما در این‌جا بدگمان نیست. همه چیز به‌طور بکثرت رخ می‌دهد. پشه‌ها و کنه‌های دامی تن ما را جریح‌دار کرده‌اند و مدام ما را می‌گزند. در نخستین ساعات پامداد هوا کاملاً سرد است.

xalvat.com

۱۹

از لایاز خیری رسید. این‌جا هم خبر نازدهنی نیست يك روز وا در خفا بسر بردیم چون روز شنبه بود روزی که شکارچیان این‌جا ظاهر می‌شوند.

۲۰

ظهر مارکوز و رولاندو وارد شدند. اکنون شش نفریم. بی‌درنگ به‌بحث و تفسیر درباره سفر برداشتیم. آن‌ها دیرتر از زمانی که ما انتظار داشتیم آمدند. چون هفته گذشته اطلاع داده بودند این گروه چابکنر و تندتر از دیگران از راه سان پابلو سفر کرده بودند و تا هفته آینده چشم به‌راه چهار نفر دیگر نبودیم. درددلفو با آن‌ها آمد و مرا تحت تأثیر قرار داد. مسلماً آمادگی بیش‌تری دارد تا همه چیز را به‌هم بریزد از بیگونی آمادگی بیش‌تری دارد. باین او را از حضور من آگاه کرد و کوکو نیز. و بدین سان مقررات را شکست. به‌نظر می‌رسد که این مورد از نظر جریزه و



xalvat.com

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>

برگرفته از سایت: "بانگانی مطبوعات ایران"
<http://irpress.org>



مدیریت حالتی ریشه آمیز به دنبال داد. بهمانیلاناه نوشتن و توصیه‌هایی کردم (مدارک شماره ۱ و ۲) و همچنین به پاین نوشتن و به پرسش‌های او پاسخ دادم. رودولفو دو آغاز باعداد از راه رسید.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

۲۱

نخستین روز يك گروه بزرگ. باران سخت می‌بارید و حرکت به سوی قرارگاه جدید دوزیر باران ما را تا مغز استخوان خیس کرد. اکنون در جای خود قرار گرفته‌ایم. چادر و خیمه ما گویا از پارچه روکش کامپون ساخته شده است. آب پس می‌دهد و خیس خیس است ولی پا وجود این تاخدی ما را در برابر سیل باران محافظت می‌کند. تنو داریم پوشش آن هم از نایلون است. اسلحه پیش‌تری به‌دست‌مان رسیده. مارکوز يك گارانتد دادد از اینار هم به‌رولاند و تفنگ لم‌يك می‌دهیم. ژورژ نزد ما می‌ماند اما سرپرستی کار را در مزرعه به‌عهده خواهد گرفت. از رودولفو تقاضا کردم برای‌مان متخصص کشاورزی بفرستد. می‌گوئیم تا حدامکان به‌این وضع ادامه دهیم.

۲۲

توما، ژورژ و من در امتداد رودخانه ناگهواسو به‌کاوش پرداختیم تا نهری را که تازه شناسائی شده بود بازرسی کنیم. رود به‌سبب باران دبروز مشخص نبود. به‌سختی می‌توانستیم به‌محل مورد نظر برویم. نهر کوچکی بود که محل خروجی آن محصور بود و می‌توانستیم از آن برای يك اردوگاه دائمی استفاده کنیم. به‌شرط آن که آن را آماده و مرتب کنیم. کمی پس از ساعت ۹ شب برگشتیم. خبر تازه‌ای نبود.

xalvat.com

۲۳

دیدبائی را افتتاح کردم. مشرفه بر خانه کوچکی دو کشتزار است. در مورد بازرسی و یا حضور رهگذران مزاحم از پیش می‌توان آگاه شد. وقتی دو نفر برای مأموریت و شناسائی می‌روند بقیه باید کشیک سه ساعت بدهند. برسو و مارکوز استحکامات اردوگاه و نا نهر که هنوز هم در حال طبقان است شناسائی کرده‌اند.

۲۴

پاچو و رولاندو برای شناسائی نهر بیرون رفتند می‌باید تا فردا برگردند. شب گذشته دو تا از کادگران کشتزار آرگاراناز (برسه‌زنان به‌این‌جا آمدند) وملاقاتی غیرمنتظره به‌عمل آمد. دیگر چیز عجیبی نبود. به‌هرحال آنتونیو که برای شناسائی رفته بود و توما که رسماً در خانه به‌سر می‌برد هر دو غائب بودند. به‌بهانه شگافو. تولد آلیوشا.

۲۵

از برج نکهبائی گزارش دادند که يك جیب یا دو یا سه سرنشین به‌آن‌جا آمده است.

گویا مأمورین بخش پیشگیری مالاریا بودند که بعد از گرفتن چند نمونه خون آنجا را ترک کردند. پاچو و رونالدو شب‌هنگام بسیار دیر وقت از راه رسیدند. آن‌ها نهر را از روی نقشه شناسائی کرده بودند. مسیر اصلی را دنبال کردند اردوگاه‌های مفروش را یافتند.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

۲۶

امروز شبیه است. همه در خانه مانده‌ایم. - از زور خواهش کردم سوار بر اسب شود و برود رودخانه را شناسائی کند و ببیند تا کجا گشوده شده است. اسب این‌جا نیوده او (۲۰ تا ۲۵ کیلومتر) پیاده راه رفت تا از دون‌رومیوتو آسی عاربه کند. شب فرا رسید و از هنوز برنگشته است. خبری هم از لاپاز نیامد.

۲۷

زور هنوز نیامده است. دستوری صادر کردم تا در طول شب مراقبت کنند اما در ساعت ۹ نخستین جیب از لاپاز رسید. جوآکین و اوربانو همراه کوکو آمدند و فردی از اهالی بولیوی را هم با خود آوردند. او دانشجوی پزشکی و نامش ارنستو آمده بود نزد ما همانند کوکو رفت و ریگاردو، برولیو، میگوئل و شخصی به نام اپنی. او آورد. او نیز قصد اقامت داشت. حالا رویه‌رفته دوازده تن شورش هستند. علاوه بر زور که نقش مالک را بازی می‌کند کوکو و رودولفو مسئول تماس و ارتباط خواهند بود. ریگاردو اختیار اضطراب‌آمیزی آورد ال‌چینو در بولیوی است و می‌خواهد مرا ملاقات کند و بیست نفر را بفرستد. این امر مشکلاتی به‌بار می‌آورد زیرا ما مبارزه را جهانی می‌کنیم بی‌آن که به استانیلاتو توجهی کرده باشیم. رای بر این شد که او را به استانیلاتو بفرستد و کوکو او را سوار کند و به این‌جا بیاورد. صبح زود کوکو با جیب ما را ترک کرد و ریگاردو روز بعد به منظور سفر به لاپاز راه افتاد. کوکو سری به محل رومیوتو خواهد زد و سراغ زور را خواهد گرفت. در گفت‌وگوی قبلی با اینتی گفت که تصور نمی‌کند استانیلاتو به‌قیام بیوندد اما به‌نظر می‌رسد قصد دارد رابطه خود را قطع کند.

xalvat.com

۲۸

با‌مداد نه از زور خبری شده نه کوکو بازگشت. پاسی از روز گذشته آمدند. اتفاقی نیفتاده بود کمی بی‌خیال و بی‌مسئولیت در خانه رومیوتو مانده بودند. بعد از ظهر من گروه بولیوی را فراخواندم و مسئله اعزام بیست نفر از اهالی برو را پیش کشیدم. همه موافقت کردند و قرار شد تا شروع عملیات دست به‌این کار نزنیم.

۲۹

برای مطالعه امکانات رودخانه و شناسائی نهر که مسلماً اردوگاه جدید ما در آنجا

برپا خواهد شد عازم شدیم. گروه عبارت بود از تومینی، اورباتو، اینتی و من. جای امنی بود اما بسیار نهره بود. کوشیدیم نهر دیگری را که در حدود یک ساعت دورتر بود آزمایش کنیم. تومینی زمین خودو فوژک بایش در وقت شب هنگام پس از اندازه گیری رودخانه به سوزل رسیدیم. همه چیز پدیمان متوال بود. گرکو به سانتاکروز رفت و آنجا منتظر جینو ماند.

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران"

<http://irpress.org>

۳۰

ماوکوز، باجو، میگوئل و پومبو به مأموریت رفتند. با این دستورالعمل که نهر دودست را شناسایی کنند. باید در طرف دو روز دیگر برگردند. پاران سخنی می‌بارید. در خانه تنبیری رخ نداد.

تحلیل ماهانه: همه چیز رو به راه بود. بدون مشکلی وارد شدیم. نیمی از افراد نیز همین طور، گرچه تا حدی تأخیر داشتند. همکاریان ریکاردو بر علیه همه مشکلات خواهند جنگید. دورنما در این ناحیه متروک خوب است. همه جوانب دلالت بر این دارند که می‌توانیم تا زمانی که ضروری بدانیم در این جا اقامت کنیم نقشه ما از این قرار است. در انتظار بقیه افراد می‌مانیم، تعداد افراد پولیوی را دست کم به ۲۰ نفر افزایش می‌دهیم و عملیات را شروع می‌کنیم. ما هنوز مجبوریم از عکس العمل مونیجی با خیر شویم و بدانیم افراد گوارا چه گونه رفتار می‌کنند.

برگردان م. معلم

xalvat.com



اینهارا هم ببینید:

کامیلیو تورز: سخنی با کارگران ("کتاب جمعه"، شماره ۷، ۲۲ شهریور ۱۳۵۸)



کامیلیو تورس: ضد شورش و جنگ انقلابی 9 8 7 6 5 4 3 2 1 متن کامل (دریک بخش)



